

تاریخ نشر در انترنیت:

بیست و سوم ماه می سال میلادی 2011

وزن شعر و ترانه

درس چهارم

موضوع درس

گفت و شنود داریم درباره یک وزن زیبا که عروضی ها آن را به نام

مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف محذوف

یاد می کنند و آن را چنین تقطیع میکنند:

مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

این وزن در زبان دری زیاد به کار میرود.

ما در شیوه کاری که پیش گرفته ایم، آن را چنین تقطیع میکنیم:

—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	الف
6	5	4	3	2	1	8	7	6	5	4	3	2	1	
دم	ق	دم	ق	دم	دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق	دم	دم	ب

در سیستم عروضی چنین تقطیع میشود:

به سطر چهارم توجه شود.

—	U	—	U	—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	1
6	5	4	3	2	1	8	7	6	5	4	3	2	1	2
دم	ق	دم	ق	دم	دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق	دم	دم	3
لن	ع	فا	ل	عی	فا	م	ت	لا	ع	فا	ل	عو	مف	4

ما و شما به این دلیل از این سیستم استفاده نمی کنیم که هجاهای دراز (—) گاهی توسط مف، گاهی عو، گاهی لا، گاهی فا، گاهی عی و لن نمایش داده میشوند و هجاهای کوتاه (U) گاهی توسط ل، گاهی ع، گاهی ت و م نمایش داده و خوانده میشوند.

و نام وزن اگر یک عبارت پوچ و بی معنی نیست، چندان خوش آیند نمی باشد (مضارع مثنیٰ اُخرب مکفوف

(محدوف).

پاسخ به کار خانه گی درس دوم:

چند بیت یک شعر فرخی سیستانی را تقطیع می کنیم:

1 - ام سال تازه روی تر آید همی بهار

2 - هنگام آمدن نه بدین گونه بود پار

3 - پار از ره اندر آمد چون مفلسی غریب

4 - بی فرش و بی تجمل و بی رنگ و بی نگار

5 - و امسال پیش از آنکه به ده منزلی رسد

6 - اندر کشید حله به دشت و به کوهسار

7 - بر دست بید بست ز پیروزه دست بند

8 - در گوش گل فگند ز بیجاده گوشوار

الف	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—							
	1	2	3	4	5	6	7	8	1	2	3	4	5	6							
ب	دم	دم	ق	دم	ق	دم	ب	ق	دم	ق	دم	ق	دم	دم							
	ام سال تازه روی تر آید همی بهار																				
	ا	م	س	ا	ل	ت	ا	ر	و	ی	ت	ر	ا	ی	د	ه	م	ب	ا	ر	
	هنگام آمدن نه بدین گونه بود پار																				
	ه	ن	گ	ا	م	آ	م	د	ن	ن	ب	د	ی	ن	گ	و	ن	ب	و	د	پ
	پار از ره اندر آمد، چون مفلسی غریب																				
	پ	ا	ر	ز	ر	ا	ن	د	ا	م	د	چ	و	ن	م	ف	ل	س	ی	غ	ر
	بی فرش و بی تجمل و بی رنگ و بی نگار																				
	ب	ی	ف	ر	ش	ت	ج	م	ل	ب	ی	ر	ن	ب	ی	گ	ب	ی	ن	گ	ا
	توجه شود که چگونه «و» توسط «پیش» در تقطیع توسط حرفهای پیشدار عوض گردید.																				
	به حرفها به رنگ سبز ماشی در سطر بالا دقت شود.																				
	و امسال پیش از آنکه به ده منزلی رسد																				
	و	م	س	ا	ل	پ	ش	ز	ا	ن	ک	ب	د	ه	م	ن	ز	ل	ی	ر	س
	دقت شود که و امسال چطور تقطیع شد. و همینطور خوانده میشود.																				

اندر کشید حله به دشت و به کوهسار													
ان	در	ک	شی	د	حَل	لَ	ب	دش	تو	ب	کو	ه	سار
بر دست بید بست ز پیروزه دست بند													
بر	دس	ت	بی	د	بس	ت	ز	پی	رو	ز	دس	ت	بند
در گوش گل فگند ز بیجاده گوشوار													
در	گو	ش	کل	ف	کن	د	ز	بی	جا	د	گو	ش	وار

نمونه دیگر

شعر از بارق شفیعی

کمپوز از حفیظ الله خیال

خواننده ها : محمد رفیع و زیلا

<p>ای تازه گل تو زینت گلزار کیستی ای مرغ باغ دل تو گرفتار کیستی گرفتار توستم ز گلزار توستم ماییم هر دو زیب گلستان زنده گی باشد شبی که ما و تو و ساغر و سبوح در نور مه به سبزه تر در کنار جو بزمی به پا کنیم غم را رها کنیم این است مقتضای بهاران زنده گی دو شیزه گان باغ بیفتد ترا به پا خنیا گران شاخ ترا گردد همنا در گلشنی چنین در چشم پاک بین حسن است و عشق، رونق جولان زنده گی</p>

محمد رفیع در سال 1975 به کابل آمده بود و در ستودیوی رادیو کابل این پارچه ثبت شده است.

لینک این خواندن در یوتیوب:

<http://www.youtube.com/watch?v=mGzQNU1OD8U&feature=related>

لینک بالا فعال نیست. آن را کپی کنید و در بالای **بروزر** (Browser) قرار دهید (Paste کنید یا Einfügen).

و هنگام خواندن درس، این خواندن را حتماً بشنوید!

این وزن و این جدول از بسیار جهات آموزنده است													
14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
—	u	—	u	—	—	u	u	—	u	—	u	—	—
دم	ق	دم	ق	دم	دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق	دم	دم
6	5	4	3	2	1			6	5	4	3	2	1
توجه کنید به ساختار این وزن. هجا های 1 تا 6 در هجا های 9 تا 12 تکرار میشوند.													
ای تازه گل تو زینت گلزار کیستی													
ای	تا	ز	گل	ت	زی	ن	ت	گل	زا	ر	کی	س	تی
توجه شود که حرف «س» در واژه «کیستی» نه زیر دارد و نه زبر یا پیش. «س» ساکن است. نباید کیستی خوانده شود.													
ای مرغ باغ دل تو گرفتار کیستی													
ای	مُر	غ	با	غ	دل	ت	گ	رف	تا	ر	کی	س	تی
گرفتار توستم													
—	—	u	—	u	—	—	u	u	—	u	—	u	—
دم		ق	دم	ق	دم	دم	ق						
تم		س	تو	ر	تا	رف	گ						
ز گلزار توستم													
تم		س	تو	ر	زا	گل	ز						
یک باریکی مهم													
توجه شود که گرفتار توستم و ز گلزار توستم در کدام بخش جدول نوشته شده اند. از دیدگاه وزن، نمیتوانند در کدام جای دیگر جدول قرار بگیرند.													
ماییم هردو زیب گلستان زنده گی													
ما	یی	م	هر	د	زی	ب	گ	لس	تا	ن	زن	د	گی
باشد شبی که ما و تو و ساغر و سبوح													
توجه شود که «و» ها در تقطیع به کدام چیزها تبدیل میشوند													
با	شد	ش	بی	ک	ما	و	ت	وو	سا	غ	رو	س	بوح
وو مانند رو خوانده میشود.													
میگویند که وزن شعر یک اسب مست است. شاعر باید اسب سواری را آن قدر بلد باشد که اسب مست او را به زمین نیندازد. این وزن زیبا، بسیار مست است. شاعرانی که به این وزن شعر میگویند، باید اسب													

سواری را بسیار خوب بلد باشند.													
در نور مه به سبزه تر در کنار جو													
جو	ر	نا	ک	در	تر	ی	ز	سب	ب	مه	ر	نو	در
بزمی به پا کنیم													
—	u	—	u	—	—	u	u	—	u	—	u	—	—
								نیم	ک	پا	ب	می	بز
غم را رها کنیم													
								نیم	ک	ها	ر	را	غم
توجه شود که بزمی به پا کنیم و غم را رها کنیم ، در کجای جدول قرار گرفته است.													
این است مقتضای بهاران زنده گی													
ای	نس	ت	مق	ت	ضا	ی	ب	ها	را	ن	زن	د	ک
باز توجه شود که ت در عبارت این است ، ساکن است. نباید این است خوانده شود. محمد رفیع یکی از نوابغ نیم قاره هند و سراسر جهان بود، اما افسوس که به اندازه ما و شما فارسی را بلد نبود. او چندین زبان میدانست.													
دو شیزه گان باغ بیفتند ترا به پا													
دو	شی	ز	گا	ن	با	غ	ب	یف	تد	ت	را	ب	پا
خیا گران شاخ ترا گردد هموا													
خن	یا	ک	را	ن	شا	خ	ت	را	گر	د	دم	ن	وا
توجه شود که عبارت گردد هموا چطور تقطیع شده است. شاعر در مغز خود هر مصراع را تقطیع میکند. آدم که شعر میگوید، باید همین توانمندی را داشته باشد. این توانمندی در همه گی وجود دارد یعنی همه گی این استعداد را دارند اما باید این استعداد پرورش یابد . نتیجه اینکه: زیاد تقطیع کنید . در آغاز با استفاده از جدول. پسان بدون جدول. هرگاه به کمک ضرورت باشد، من در خدمت هستم.													

اگر از تقطیع عروضی استفاده میگردیم، شما به من بگویید که باریکی های تقطیع شعر کلاسیک و به خصوص وزن شعر نو را به شما عزیزان، چطور تشریح میگردم.														
—	u	—	u	—	—	u	u	—	u	—	u	—	—	1
6	5	4	3	2	1	8	7	6	5	4	3	2	1	2
دم	ق	دم	ق	دم	دم	ق	ب	دم	ق	دم	ق	دم	دم	3
لن	ع	فا	ل	عی	فا	م	ت	لا	ع	فا	ل	عو	مف	4
ما و شما به این دلیل از این سیستم استفاده نمی کنیم که هجاهای دراز (—) گاهی توسط مف ، گاهی عو ، گاهی لا ، گاهی فا ، گاهی عی و لن نمایش داده میشوند و هجاهای کوتاه (u) گاهی توسط ل ، گاهی ع ، گاهی ت و م نمایش داده و خوانده میشوند.														

کار خانه گی

میخواستم کار خانه گی بدهم. اما دیدم که برخی دوستان نخواهند توانست از عهده آن برآیند. بر آن شدم که خودم تقطیع کنم.

<http://www.youtube.com/watch?v=dHfxbfFATU4&feature=related>

لینک خواندن در یوتیوب

«رفتم که رفتم» – تصنیفی جاودان با صدای **مرضیه**

آهنگ : علی تجویدی، شعر : معینی کرمانشاهی، در مایه شوشتی

از برت دامن کشان

رفتم ای نا مهربان

از من آزرده دل

کی دگر بینی نشان

رفتم که رفتم.

رفتم که رفتم

از من دیوانه بگذر

بگذر ای جانانه بگذر

هر چه بودی،

هر چه بودم

بی خبر رفتم که رفتم

رفتم که رفتم.

رفتم که رفتم

شمع بزم دیگران شو

جام دست این و آن شو

هرچه بودی، هرچه بودم

بی خبر رفتم که رفتم

رفتم که رفتم

رفتم که رفتم

بعد از این، بعد از این

کن فراموشم که رفتم

دیگر از

دست تو

می نمینوشم که رفتم

با دلی زود آشنا

گشتم از دامت رها

بی وفا

بی وفا

بی وفا رفتم که رفتم

رفتم که رفتم

من نگویم که به درد دل من گوش کنید / بهتر آنست که این قصه فراموش کنید

عاشقان را بگذارید بنالند همی / مصلحت نیست که این زمزمه خاموش کنید

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
							—	—	U	—	—	—	U	—	
							دم	دم	ق	دم	دم	دم	ق	دم	
							از بروت دامن کشان								
							شان	ک	من	دا	رت	ب	از		
							رفتم ای نا مهربان								
							بان	ر	مها	نا	می	ت	رف		
							از من آزرده دل								
							دل	د	زر	آ	نی	م	از		
							کی دگر بینی نشان								
							شان	ن	نی	بی	گر	د	کی		
							رفتم که رفتم رفتم که رفتم								
							—	—	U	—	—	—	U	—	
							دم	دم	ق	دم	دم	دم	ق	دم	
							تم	رف	ک	تم	رف				
							تم	رف	ک	تم	رف				
							از من دیوانه بگذر								
							ذر	بگ	ن	وا	دی	نی	م	از	
							بگذر ای جانانه بگذر								
							ذر	بگ	ن	نا	جا	ری	ذ	بگ	
							هرچه بودی، هرچه بودم								
							—	—	U	—	—	—	U	—	
							دم	دم	ق	دم	دم	دم	ق	دم	
							دم	بو	چ	هر	دی	بو	چ	هر	
							بی خبر رفتم که رفتم								
							تم	رف	ک	تم	رف	بر	خ	بی	
							شمع بزم دیگران شو								
							شو	ران	گ	دی	می	بز	ع	شم	
							جام دست این و آن شو								
							شو	آن	ن	ای	تی	دس	م	جا	
							هرچه بودی، هرچه بودم								
							دم	بو	چ	هر	دی	بو	چ	هر	

		بی خبر رفتم که رفتم													
								تم	رف	ک	تم	رف	بر	خ	بی
		بعد از این بعد از این													
													زین	د	یع
													زین	د	یع
		کن فراموشم که رفتم													
								تم	رف	ک	شم	مو	را	ف	کن
		دیگر از دست تو													
													رز	ک	دی
													تو	ت	دس
		می نمینوشم که رفتم													
								تم	رف	ک	شم	نو	می	ن	می
		با دلی دیر آشنا													
										فا	ش	را	دی	لی	با
		گشتم از دامت رها													
										ها	ر	مت	دا	مز	گش
		بی وفا بی وفا													
														فا	بی
														فا	بی
		بی وفا رفتم که رفتم													
								تم	رف	ک	تم	رف	فا	و	بی
		رفتم که رفتم													
								تم	رف	ک	تم	رف			
		حالا به وزنی دیگر میرویم: فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن رمل مثنی مخبون محذوف													
		من نکویم که به درد دل من گوش کنید													
15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
—	u	u	—	—	u	u	—	—	u	u	—	—	u	—	
دم	ق	ب	دم	دم	ق	ب	دم	دم	ق	ب	دم	دم	ق	دم	

